

**روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران** **صاحب امتیاز و مدیرمسئول : مهدی رحمانیان**
**نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲**
**ویژه‌نامه شریعتی به روایت تاریخ: احمد غلامی، شیمیا بهرمند**

یک بینش انتقادی است و همین. (شریعتی، مجموعه آثار ۴: ۸۳) و تأکید می‌کند که «من همه امیدم برای آینده این ملت، به همین‌هاست، همین بی‌قالب‌های آزاد و آگاه و تشنه… اینهاپند کسانی که هنوز قدرت انتخاب را از دست نداده‌اند.» (شریعتی، مجموعه آثار ۴: ۲۵۲). او این نگرش کلی را به آموزه‌های خود تعمیم می‌دهد «هرچه می‌گویم نظریه است و به‌عنوان جزم و قطع نیست، فقط به اندیشیدن دعوت می‌کند و همین.» (شریعتی، مجموعه آثار ۲۶: ۴۸۷). وی حتی در اسلام‌شناسی ارشاد، آنجا که اضلاع هندسی جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را ترسیم کرده‌است، بر این نسبت‌گرایی تأکید می‌گذارد و می‌نویسد: «انسان یا جامعهٔ آرمانگرا و رونده به‌سوی نمونه‌های متعالی و مثالی و ایده‌آلی خویش، همواره در مسیر خویش ضابطه‌های فیکسس و قالب‌های ثابت را فرومی‌ریزد و می‌شکند. جامعه و انسان ایده‌آل جاذبه‌ای است که جهت حرکت را تعیین می‌کند نه شکل ثبوت را.» (شریعتی، مجموعه آثار ۱۶: ۳۴) و اضافه می‌کند که: «روسو می‌گوید، برای مردم راه نشان ندهید و تعیین تکلیف نکنید، فقط به آن‌ها بینایی ببخشید، خود راه‌ها را به‌درستی خواهند یافت و تکلیفشان را خواهند یافت.» (شریعتی، مجموعه آثار ۲: ۹۵).

عصاره مسیر سلبی شریعتی در تعریف ایدئولوژی و نقطه آغاز تلاش او برای تعریفی رویکردی را می‌توان در این قطعه درخشان یافت که «شرط اول قدم آن است که آنچه را داریم از دست بگذاریم، نوعی شک دکارتی! در اینجا به یک انقلاب گستاخانه فکری و روحی نیازمندیم، شوریدن علیه خویش. باید در این کار اخلاصی مطلق داشت و برای نیل به چنین خلوصی وجودی، باید خود را آماده و قانع کنیم که دغدغه‌مان برای کشف حقیقت، بیش از حق اثبات حقایقت خودمان باشد.» (شریعتی،مجموعه آثار ۲۳: ۱۴۷). شریعتی در جست‌وجوی تعریفی از ایدئولوژی که فاقد وجوه منفی شناخته‌شده‌اش باشد، لحن زائری جست‌وجوگر می‌گیرد: «پس، این جدافتاده تنهای عاصی که هم از بند غرایز می‌رهد و هم جولانگه‌ها و افق‌هایی را برای تجلی وجود و تظاهر حیات شگفت و خدایی خویش جست‌وجو می‌کند که غرایز را در آن راه نیست، باید هدایت خویش را نیز خود بر عهده گیرد و هدایت هم «نیروی حرکت» است و هم «آگاهی پر‌راه» و به زبان خودمان، عشق و حکمت و به‌اصطلاح امروز «ایدئولوژی» که مجموعه‌ای است از ارزش‌ها و آرمان‌هایی که در یک جهان‌بینی خاص تعیین یا توجیه و تفسیر و تأویل می‌شوند و در نتیجه ما را به حرکت می‌آورند و جهت می‌بخشند.» (شریعتی، مجموعه آثار ۲۳: ۱۴۶).

در نتیجه این مواجهه‌ها و جست‌وجوها شریعتی به این‌صورت‌بندی از مفهوم ایدئولوژی می‌رسد: ایدئولوژی از سه مرحله درست می‌شود: ۱- یکی یک جهان‌بینی (نوع تصور و تلقی‌ای که ما از جهان، از زندگی و از انسان داریم). ۲- یکی یک نوع ارزیابی انتقادی محیط و مسائل (نوع برداشت و ارزیابی خاصی که براین اساس، نسبت به مسائلی که با آن‌ها در ارتباطیم و پیرامون اجتماعی و فکری ما را می‌سازد، داریم). ۳- ارائهٔ پیشنهادها، راه‌حل‌ها و نمونه‌های عملی، مرحله سوم ایدئولوژی است. (شریعتی، مجموعه آثار ۷۰: ۲۳-۷۱).

ایدئولوژی در این تعریف از سه رکن مرتبط و یا سه وجه به‌هم‌پیوسته عام، خاص و مشخص تشکیل شده است؛ رکن نخست یا وجه عام آن که شریعتی آن را جهان‌بینی می‌نامد، همچنان‌که به صد زبان و تأکید دیدیم، در پیوند مداوم با معارف زمان و رویکردانی جدی از «یقین پوچ به‌مثابه آفت تعقل و پیشرفت و آگاهی انسان» قرار می‌گیرد. در این جهان‌بینی آنچه که اصل است، جست‌وجوی حقیقت است؛ حقیقتی که خود در راه است و رهروی خود را برای در راه بودن و عبور از گردنه‌های تحجر، فیکسیسم و دکماتسیسمی که همواره شمایل عوض می‌کنند، مهیا می‌خواهد؛ مهبای انقلاب گستاخانهٔ فکری به گاه ضرورت و مهبای شورش علیه خویش آنگاه که در معرض وسوسه تریج اثبات حقایقت خود به‌جای پایان‌ناپذیر بودن راه حقیقت قرار می‌گیرد. رکن دوم آن نقد عقاید مسلط است که تحت عنوان «ارزیابی انتقادی از محیط» نام برده شده است و خود

در پیوند با رکن اول ایدئولوژی عهده‌دار امر تحول است؛ و رکن سوم آن ارائهٔ بدیل‌هایی است نسبی که باز در پیوند با آن شناخت و این نقد حاصل می‌آید. این بدیل‌ها باید واجد اوصافی چون «عملی بودن» و «پیشنهادی بودن» باشند و در حوزهٔ مفاهمهٔ جمعی قابل‌اعتبار!

نکته بسیار مهم صورت‌بندی ایدئولوژی در مجموعه آثار ۲۳ گسست رادیکال او از مفهوم‌پردازی خود از ایدئولوژی در مجموعه آثار ۱۶ یا همان جلد اول اسلام‌شناسی موسوم به هندسی است. در جلد اول کتاب که مربوط به سخنرانی‌های سال ۱۳۵۰ است، طرحی هندسی وجود دارد که از جهان‌بینی و سه شاخه آن (فلسفه تاریخ، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی) شروع می‌شود و به ایدئولوژی می‌رسد. جامعه ایده‌آل و انسان ایده‌آل آخرین مراحل این هرم هستند. می‌توان گفت در این طرح و توضیحاتی که شریعتی پیرامون آن فراهم می‌آورد، بسیاری از عناصر ایدئولوژی به‌معنای رایج آن حضور دارند. او می‌گوید، این طرح یک «مکتب اعتقادی کامل» است و همه اندام‌های فکری یک مکتب در آن گنجانده شده است. (شریعتی، مجموعه آثار ۱۶ جلد ۱: )مجموعه آثار ۲۳ اما که پنج سال بعد پدید می‌آید، اولاً نوشتاری است و به‌تبع آن متنی اندیشیده. ثانیاً پس از کودتای داخلی مجاهدین در سال ۱۳۵۴ نوشته شده است و شریعتی یقیناً تبعات منفی ایدئولوژی به‌معنای رایج را در مفهوم‌پردازی جدید در نظر گرفته است. در نتیجه این بازنگری، تعریفی که شریعتی از ایدئولوژی می‌کند و ارکانی که برای آن در نظر می‌گیرد، به‌کلی در برابر ایدئولوژی اسلام‌شناسی است. در اولی ما با طرحی مواجه هستیم مکتبی که قرار است جامعه ایده‌آل و انسان ایده‌آل بسازد، در دومی ولی نه‌تنها هیچ ارزشی تعبیه نشده است، بلکه نسبت خاص و عام ایدئولوژی هم جای‌جا شده است. آنچه در مجموعه ۲۳ اتفاقی افتاده که ایدئولوژی تبدیل به رویکرد شده است.

### ملاحظات پایانی

۱- جنگ شریعتی رویکرد با شریعتی ایده یا حضور همزمان فرایند و فرآورده در آثار شریعتی، گاه حتی در صفحه‌ای واحد از یک اثر، چنان پررنگ است که اصولاً نمی‌توان آن را ندید و برگزار نکرد. گاه این جنگ، به‌طور مشخص در مورد ایدئولوژی، به سر انجام می‌رسد و شریعتی سال ۱۳۵۵ مفهومی از ایدئولوژی ارائه می‌دهد که به‌کلی ناسخ مفهوم‌پردازی قبلی او در متن گفتاری اسلام‌شناسی سال ۱۳۵۰ است. از این رو ندیدن پویایی‌های اندیشه، اندیشه‌ای که علیه خود می‌اندیشد و صورت‌بندی مفاهیم او در بستری تهی از رویکرد و بدون توجه به تحولات بعدی آن، مصداقی از ایدئولیزاسیون اندیشه است. اگر یکی از ویژگی‌های ایدئولوژی به‌معنای رایج آن را ساده‌سازی امور پیچیده بدانیم، ایدئولیزاسیون اندیشه‌های شریعتی توسط منتقدان اصلی، تبدیل به امری بی‌تردید می‌شود: منتقدان را چاره‌ای نبوده است که تقلیل‌گرایانه رویکرد شریعتی را که مخل نظریه‌پردازی‌های آنان بوده است به‌کلی نادیده بگیرند. اگر درست است که شریعتی باید مسئولیت ابهامات احتمالی مفهومی خود که زمینه‌ساز بهره‌برداری دشمنان فکری او شده است را بپذیرد، آیا مطابق همین منطق، ناقدان فکری او نباید این مسئولیت را بپذیرند که از طریق ایدئولیزاسیون اندیشه‌های شریعتی و غیب گردانیدن شگفت‌انگیز رویکرد او، راه «در راه او» را به بیراهه برده‌اند و در مسیر دعوت ملی او برای اندیشیدن در باره امکانات و محدودیت‌های بازآفرینی خویشتن وقفه انداخته‌اند؟

۲- غالباً عمر کوتاه شریعتی و وسعت درگیری‌ها و مواجهه‌های او با مسائل تقلیل‌گرایانه برگزار شده است. طبیعتاً این توضیحات وجود عناصر مسئله‌ساز در اندیشه‌های شریعتی را توجیه نمی‌کند، و این اندرز ناخیرخواهانه را هم در پی ندارد که به حسابشان رسیدگی نشود، بلکه فقط به‌سادگی توضیحی در چرایی راه یافتن این عناصر به رویکرد او و پالایش نشدن آنها توسط خود او فراهم می‌آورد. شریعتی فقط چهل‌وپهار سال زیست و در طول عمر فکری خود که از جوانی شروع شد فرصت را برای بازیابی آنچه که از طریق مواجهه‌هایی

# سُزُش

### روزنامه

وجودی به آن رسیده بود، تنگ می‌دانست. شاید امیدوار بود که لمحہ شادی روزی فرارسد تا او بتواند آن را به بازپرسی آنچه که خود گفته است و نوشته است، اختصاص دهد. فرصتی که دست نداد و لحظه‌ای از آن لمحہ که در پی آخرین زندان او و یک سال پیش از هجرت دائمی او دست داد به صورت‌بندی مبنای نظری رویکرد خود در سه‌گانه عرفان، برابری، آزادی پرداخت. توجه به این محدودیت را نمی‌توان به تذکری اخلاقی فروگاست، بلکه باید تا سطح اجزاهای بنیادین روش شناختی بلا کشید.

۳- اگر راه شریعتی برای نویسنده این نوشته فقط راهی بود راهگشا در سطح فردی، خود را وفادارانه در آن راه قرار می‌داد و از ضرورت بازخوانی شریعتی و نیز ضرورت بازبینی صورت‌بندی‌هایی که از اندیشه‌های او شده است در سطح عام سخن نمی‌گفت. ستایش راه و رویکرد شریعتی ستایش از شخصی که نفرین‌ها و آفرین‌ها را به حال خود بی‌اثر می‌دانست، و اکنون که رفته است بی‌اثرتر و اصولاً منتفی به انتفاء موضوع شده است، نیست. تأکید بر پرهیز از ایدئولیزاسیون اندیشه‌های شریعتی، توجه به منطق درونی تفکر او و شناسایی روابط متقابل ایده و رویکرد در منظومه فکری او، در حقیقت تأکیدی روش‌شناختی در مواجهه با میراث و آثار پیشینیان است. در سنت پژوهشی دانشگاه غربی رسم بر این است که قبل از هر چیز ادبیات پژوهش موضوع مورد مطالعه به دقت مورد بررسی قرار گیرد؛ سهم و مشارکت پژوهشگران پیشین شناسایی و ارج نهاده شود؛ خلاءهای مطالعات موجود شناسایی شود و پژوهشگر، پژوهش خود را در جهت تعمیق و توسعه پژوهش‌های موجود پیش ببرد. احتمالاً فقط در چنین رویکردی است که خشتی بر خشت‌های پیشین نهاده می‌شود و عمارت معرفت ارتقاغ می‌گیرد. اگر این سنت دانشگاهی به سنت روشنفکری و تحولات فکری تاریخ بشر تعمیم داده شود، روشن می‌گردد که در غرب، متفکران از شانه‌های هم بالا می‌روند و شور‌یختانه ظاهراً در ایران از پای‌های هم پایین می‌آیند و شناسایی خود را نه در مسیر به‌رسمیت‌شناسی متقابل و مسئولیت در برابر دیگری، بلکه در مسیر تخریب دیگری پیش می‌برند. اگر چنین باشد، به‌طور کلی از همگان، و در اینجا به‌اقتضای موضوع مقاله به‌نحو خاص از شریعتی‌پژوهان باید خواست که در مواجهه با اندیشه‌های او مبانی کالتی نقد یعنی خواندن و امتیزه‌کردن را به کارگیرند تا در کام نخست و به زبان پدیدارشناسانه، به آنچه که در اندیشه شریعتی دیده نشده است، مجال دیدن دادن داده شود و در پی آن مؤلفه سوم نقد کالتی را وارد سازند و به سنجش آراء او بپردازند. در پی چنین مواجهه‌ای است که می‌توان آنچه که منسوخ است را عالمانه شناسایی کرد و آنچه معتبر است را مشارکت او در پرتو افکندن‌ها بر مسائل متبلايه ملی و انسانی تلقی کرد و به فکر تداوم آن در قلمروهای جدید بود.

۴- اگر چنین شود، شاید کسی در این میانه دست‌به‌کار شود و تاریخ روشنفکری ایران را بار دیگر و این بار جور دیگری بنویسد: بر پایه درد مشترک و بر پایه مسائل مشترکی که این روشنفکران داشته‌اند و در پی آن جمع‌بندی مشارکت‌ها و افزوده‌های آنان در پرتوافکنی بر آن مسائل از زوایای مختلف، در چنین مسیری، بدیهی است البته که نه‌تنها نمی‌توان و نباید از جنگ جهان‌بینی‌ها دست کشید، بلکه باید آتش آن را فروزان‌تر کرد و به قلمروهای بنیادین آنها کشاند. تنها در این صورت است که نزاع به‌معنای کالتی آن صورت می‌گیرد؛ نزاعی که هدف آن ایجاد صلح است، نه صالذبته از طریق نابود گردانیدن ماده و موضوع نزاع، بلکه از طریق آشکار ساختن علت اصلی نزاع و ریشه‌های آن در جهان‌بینی‌های متنازع. چیزی که ولی می‌توان و باید از آن دست کشید حيله‌گری‌های سیاسی است، این حيله‌گری‌ها را به‌تعبیر زیبایی سوسن شریعتی باید به لات‌های سیاست‌پیشه جهان واگذاشت و در برابر اتحاد آنان، اتحادی دیگر ساخت: اتحاد عیاران؛ نه البته هر مصداقی از عباری که عباری به‌روایت ملک‌الشعرای بهار که همان «ای‌یار» فارسی و «ادیبار» پهلوی است؛ این بار اما نه هر یاری که باران سر در اندیشه و دست بر قلم!

- این مقاله تعیین‌بخش رویکرد کتابی در مورد شریعتی هم شد؛ کتابی که سال‌ها است در حال فراهم آوردن مواد و مصالح آن بودم و هستم و چهار‌چوب‌های متفاوتی هم برای آن در نظر گرفته بودم. آن چهار‌چوب‌ها فروریخت و چهار‌چوبی جدید آشکار شد. بدین ترتیب، نویسنده مقاله امیدوار است آنچه را در اینجا به‌اختصار و گاه حتی در حد ادعا مطرح کرده است، در کتاب به‌تفصیل و همراه با استدلال‌های مستند به متن شریعتی برگزار کند و مؤلفه‌های آنچه که سازنده شریعتی به‌مثابه رویکرد بوده است را به‌لحاظ مفهومی و مصداقی ایضاح کند.
- مقاله پیش‌رو، علی‌رغم دورخیزی که برای سامان گرفتن و انتشار در زادروز شریعتی برداشته بود، نتوانست به‌نگام محتوای نسبتاً رضایت‌بخش خود را پیدا کند. به‌ویژه اینکه، علاوه بر بزرگ‌داشتن زادروز، نوشته قرار بود دعوتی از دیگران برای تأمل در وجوه رویکردی شریعتی نیز باشد. چاره این شد که مدلول به نفع دال کناره نگیرد و انتشار این متن تا امروز که روزها از رخداد گذشته است، به تأخیر افتد.
۵. «ایده رویکردی؟ نوشتاری در نسبت ایده و رویکرد فلسفی در زیست‌جهان قرن بیست‌ویکم»، روزنامه شرق، ۱ اسفند ۱۴۰۳، سال بیست‌ویکم، شماره ۵۰۴.
- برای تفصیل بیشتر رجوع کنید به: حسین مصباحیان، «حق و وظیفه فلسفه در دانشگاه: پیگیری نزاع مشروع، ایستادگی در برابر نزاع نامشروع»، روزنامه اعتماد، ۲۹ شهریور ۱۴۰۰، سال نوزدهم، شماره ۵۰۳.
- ساخت‌گشایی مفاهیم استعمار، استضعاف و نیز تفسیر تثلیث عرفان، برابری، آزادی را مدیون دکتر احسان شریعتی هستم. در حقیقت، آنچه در اینجا درباره این مفاهیم آمده است، تلخیص و کمی تغییر در نوشته منتشر نشده ایشان است.
- «پل ریکور و پدیدارشناسی تکوینی ایدئولوژی»، دین و ایدئولوژی، انتشارات بنیاد شریعتی بهار ۱۳۹۱، صص ۱۷-۶۵.
- «دفاع جوهری از منطق درونی ایدئولوژی»، در حاشیه متن، انتشارات شهر آفتاب، تهران ۱۳۷۹، صص ۲۷- ۱۳۱.
- «در ستایش ایدئولوژی»، در دست انتشار در روزنامه شرق.
- او در یادداشتی با عنوان «دور دور لات‌های جهان است» که در ۱۶ آبان سال ۱۳۹۵ پس از پیروزی ترامپ در انتخابات سال ۲۰۱۶ نوشته شده، آورده است: «فعلاً که دور، دور لات‌های جهان است. جایی برای تخیل نمانده است. تخیل، فعال هم که می‌شود، داعش سر برمی‌دارد و ترامپ، عجب مضحک‌های! تا اطلاع ثانوی سیاست پعنی همینی که هست و البته امیدوی سزینف‌وار که می‌گوید: این نیز خواهد پایید.»

- منابع: مجموعه آثار دکتر علی شریعتی